

عنوان: اثرات برکت در وضعیت اقتصادی افراد

عذرا روشنی^۱

چکیده

نظام طبیعت و عالم هستی را نظام علت و معلول و عالم سبب و مسبب دانسته اند. در پیدایش و استمرار برکت، نیت‌ها و کردار آدمی نقش به سزایی دارد. در برکت، جنبه الهی و معنوی هم بسیار تأثیرگذار است و این به فزونی، تعالی و ماندگاری نعمت کمک می‌کند و در نهایت، انسان را به سلامت دنیوی و سعادت اخروی نزدیک می‌سازد.

اگر اعمال بندگان بر اساس معیارهای الهی شکل گیرد، رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت و برکت‌های بی‌پایان الهی نصیب‌شان خواهد شد. شرط دست‌یابی به برکت‌های آسمانی و زمینی، داشتن ایمان و تقوای بالاست و در پرتو تقرب الهی و اطاعت و فرمانبرداری از تعالیم انسان‌ساز اسلامی و دوری از کجروی‌ها و سرکشی‌ها است که خداوند خیرات و برکات خویش را به بندگان هدیه می‌کند. زندگی‌ای آرامش‌دار که در آن خیر و برکت و معنویت باشد. کسب حلال یکی از عواملی است که باعث برکت در زندگی و آرامش می‌شود. برکت به معنای پایداری خیر الهی در چیزی و رشد و افزایش آن، درخواستی است که هر انسان مومن از خدا دارد.

کلیدواژه: اثرات، برکت، وضعیت، اقتصادی، افراد.

^۱. سطح دو حوزه مدرسه عامیه جوادالائمه(ع) شهرستان آبدانان.

دین اسلام، انسان را موجودی مادی نمی‌داند و امور معنوی را در زندگی او دخیل می‌داند. یکی از امور معنوی، برکت است که اگر عوامل آن رعایت شود، آثار مثبت بی‌شماری دارد. برکت امری است مهم‌تر از ثروت، ضمن اینکه ثروت ممکن است موقتی یا فقط مختص به مال باشد اما برکت پایدار است و تنها به مال تعلق نمی‌گیرد بلکه به زوایای مختلف زندگی مانند عمر و زمان را در می‌برگیرد.

مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین چالش‌های هر اجتماع انسانی است؛ زیرا فقدان آسایش و رفاه اقتصادی به حوزه آرامش روانی نیز کشیده شده و امنیت روانی اجتماع را در معرض خطر قرار می‌دهد. از این رو در آموزه‌های قرآنی، ارتباط مستقیمی میان آسایش با آرامش ایجاد شده و تامین وضعیت مناسب اقتصادی عاملی مهم در امنیت و آرامش اجتماعی و روانی افراد اجتماع دانسته شده است. آموزه‌های اسلام، به سبب نقش قوامیت بخش اقتصاد در سرپایی اجتماع، بر آن است تا انواع راهکارها را برای مدیریت صحیح و سالم اقتصادی و حل و فصل مشکلات و چالش‌های اقتصادی ارائه دهد.

از نظر قرآن، بسیاری از مردم هنگامی متوجه آثار بسیار مهم و برکات می‌شوند که کار از کار گذشته است؛ خدا در ترسیم حالت محتضر در سوره منافقون، آیات ۱۰ و ۱۱ می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ و از آنچه روزی شما کرده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: پروردگارا! چرا تا مدتی بیشتر اجل مرا به تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از صالحان و نیکوکاران باشم؟ ولی هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا آن را به تاخیر نمی‌افکند؛ و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

انسان باید فرصت کوتاه عمر را غنیمت شمارد و از آن برای سعادت دنیا و آخرت خود و دیگران بهره‌گیرد. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در تامین سعادت دنیا و آخرت، دادن صدقات مالی هر چند اندک حتی از سوی فقیر است؛ زیرا فقیر نیز اگر اندکی از همان اندک خویش را بپردازد، نه تنها مالش برکت و افزایش کمی و کیفی می‌یابد؛ بلکه سعادت را برای خود و دیگران در دنیا و آخرت رقم می‌زند.

۱. مفاهیم

۱.۱. برکت

واژه «برکت» از ریشه «برک» به معنای ثبات و دوام است، از این رو، خیر و خوبی فراوان و بادوام، برکت نامیده می شود. ابن فارس، در این باره آورده است: «الْبَاءُ وَالرَّاءُ وَالْكَافُ أَصْلٌ وَاحِدٌ، وَهُوَ ثَبَاتُ الشَّيْءِ، ثُمَّ يَتَفَرَّغُ فُرُوعًا يُقَارِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا؛ بَاءٌ وَرَاءٌ وَكَافٌ، يَكُونُ بِرَكْتٍ بِمَعْنَى ثَبَاتِ شَيْءٍ أَوْ دَوَامِهِ، سَبَبٌ، مَعْنَى دِيْغَرِي - که به هم نزدیکند - از آن برگرفته شده است.^۱

ابن منظور می گوید: برکت، یعنی رشد و افزایش، و «تبریک»، دعای برکت خواستن برای انسان و غیر اوست، و «بارک علی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ»، یعنی: آنچه از کرامت و شرافت که بر مُحَمَّد و خاندان مُحَمَّد داده ای، برای او و خاندانش ثابت و ماندگار بدار...، زَجَّاج، گفته است: «تَبَارَكَ»، بر اساس سخن اهل لغت، صیغه تَفَاعُلِ کلمه برکت است... و ابن عباس، روایت کرده است که: معنای برکت، فراوانی در هر خیری است.^۲

خیر (خوبی)، اگر با دو ویژگی همراه باشد، برکت نامیده می شود: یکی، کثرت و فراوانی؛ و دیگری، ثبات و دوام، نسل با برکت، به معنای کثرت و دوام فرزندان نیک سیرت است، یا عمر با برکت، زندگی همراه با خیر فراوانی است که آثار آن، پایدار می ماند.

کلمه «برکت»، در قرآن و حدیث، دقیقاً در همان معنای لغوی، یعنی خیر فراوان و بادوام به کار رفته است، در قرآن، این کلمه و مشتقات آن، سی و سه بار در باره آفریدگار جهان، قرآن، فرشتگان، انبیا، انسان، آسمان، زمین، کعبه، آب باران و... به کار رفته است، مفسران برکت را به معنای خیر نافع^۳ و امری غیر محسوس و اعم از مادی و معنوی می دانند و بین آن و نظام جاری اسباب و مسببات منافاتی نمی بینند، چنان که معتقدند برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است.^۴

۱. احمد، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱ ص ۲۲۷.

۲. ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰ ص ۳۹۵-۳۹۶ ماده «برک».

۳. محمد طاهر، ابن عاشور، تفسیر التحریر والتنویر، ج ۲۲-۲۴، جزء ۲۴، ص ۲۴۴.

۴. محمد حسین، طباطبائی، المیزان، ج ۷، صص ۲۸۰-۲۸۲.

۲. عوامل ایجاد برکت

انسان برای اینکه به برکت دست یابد، می‌بایست علل و عوامل آن را شناسایی کند، البته برای ایجاد و نیز حفظ برکت در چیزی شناخت موانع نیز ضروری است؛ زیرا علت تام، زمانی شکل می‌گیرد که مقتضی موجود و موانع مفقود باشد. پس اگر مقتضی شناسایی و ایجاد شود ولی موانع ناشناخته بماند یا برطرف نشود، برکتی ایجاد نخواهد شد و حفظ و صیانت نمی‌شود. بنابراین شناخت اسباب و عوامل ایجاد و موانع آن لازم و ضروری است چنان که تحقق بخشیدن به عوامل و برطرف کردن موانع ضرورت دارد.

نکته‌ای که نباید در مساله برکت آن را نادیده گرفت، نقش اسباب معنوی و مادی در کنار هم است. در آموزه‌های اسلامی این معنا بارها مورد تاکید قرار گرفته است که جهان مادی و دنیا، دارالاسباب است.

حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «سنت خداوند بر آن است که افعال و اشیاء را به وسیله اسبابشان به جریان بیندازد».^۱

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «خداوند ابا دارد از اینکه امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد، پس برای هر چیزی سببی قرار داده است».^۲

این بدان معناست که خداوند هر چیزی را از طریق اسباب آن تحقق می‌بخشد. پس انسان‌ها باید این اسباب را بشناسند و آن را به کار گیرند. البته دعا نیز همانند دیگر اسباب الهی است. با این تفاوت که دعا، سببی جامع است که همه امور را در بر می‌گیرد، در حالی که دیگر اسباب مادی از چنین جامعیتی برخوردار نیستند، بلکه می‌بایست برای هر چیزی سبب مناسب آن را شناخت و به کار گرفت. در اینجا به مهم‌ترین و اصلی‌ترین علل و عوامل مادی و معنوی ایجاد برکت به شکل فراگیر و کلی اشاره می‌شود.

^۱. «ابی الله ان یجری الاشیاء الاّ باسبابها»؛ محمدباقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰؛ همان، ص ۱۶۸، باب ۲۲، حدیث ۱.

^۲. «ابی الله ان یجری الاشیاء الاّ بأسباب، فجعل لكل شیء سبباً»؛ محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۲۳۱، ح ۸۱۶۶.

۳. علل و اسباب معنوی برکت فراگیر

۱.۳. خدا

از آن جایی که برکت به معنای خیر فراوان و با دوام است، در ایجاد آن باید به ریشه و خاستگاه خیر توجه کرد. شکی نیست که خیر از مصادیق حق است چنانکه شر از مصادیق باطل است. همان گونه که خداوند حق محض و بحت است.^۱

همچنین خدا خاستگاه و منشای هر حقی است.^۲ امیرمومنان علی(ع) نیز در مناجاتش با خداوند به این امر اشاره کرده و می‌فرماید: ای خاستگاه و پدیدآورنده برکت‌ها از جایگاه هایشان.^۳ آن حضرت (ع) همچنین خدا را به عنوان قراردهنده آن،^۴ بیرون آورنده برکت‌ها از معادنشان،^۵ و سرپرست برکات، معرفی می‌کند.^۶ و پیامبر(ص) نیز خدا را به فرو فرستنده برکت‌ها،^۷ ستوده و امام حسین(ع) نیز خدا را جاری کننده برکت‌ها بر اهلش می‌داند.^۸

بنابراین باید خداوند را علت تام برکت دانست. از این روست که برخی در معنای برکت گفته‌اند که آن خیر الهی کثیر و بادوام است. به این معنا که اصولاً برکت تنها ارتباط با خداوند دارد و این خداست که به چیزی برکت می‌دهد و یا برکت را از آن سلب می‌کند و کثرت و دوام خیر را از آن بر می‌دارد.

پس خاستگاه و علت العلل و مبدا و منشا همه برکات جهان خداوند تبارک و تعالی است. اوست که همه برکات را پدید و فروود آورده و رحمت و برکتش، همه چیز را فرا گرفته است، از این رو، مبارک مطلق (بی قید و شرط)، خداست و صفت و اسم «مبارک»، یکی از صفات باری تعالی است و همه آفریده‌ها، چه بدانند و چه ندانند، چه بخواهند یا نخواهند، به اندازه ظرفیت و شایستگی خود، از برکات الهی، برخوردارند.

۱. فصلت، آیه ۵۳.

۲. بقره، آیه ۱۴۷؛ آل عمران، آیه ۶۰.

۳. «یا مُنْشِئَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا»؛ محمدباقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۲۵، ح ۴۵.

۴. جاعل البرکات؛ همان، ج ۸۶، ص ۳۳۵، ح ۷۲.

۵. «وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا»؛ همان، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴.

۶. وَلِيُّ الْبَرَكَاتِ؛ همان، ج ۹۰، ص ۱۶۱، ح ۱۱.

۷. مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ؛ همان، ج ۹۵، ص ۲۸۱، ح ۴ و ص ۳۹۹، ح ۳۳.

۸. مُجْرِي الْبَرَكَاتِ عَلَى أَهْلِهَا؛ همان، ج ۹۱، ص ۳۲۲، ح ۹.

۳.۵. تکریم بزرگان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برکت در بزرگان ماست، کسی که بر کوچک ما رحم نمی‌آورد و بزرگ ما را گرامی نمی‌دارد، از ما نیست».^۱

استفاده از تجربه بزرگان که سرد و گرم روزگار را چشیده اند، گوش دادن به پندهای دلسوزانه و به دست آوردن دل آنان، دریایی از برکت را به زندگی انسان وارد می‌کند.

۴.۵. پرداخت زکات

امام باقر(ع) فرموده اند: «پرداخت زکات موجب افزایش رزق و روزی می‌شود».^۲ اگر هر چیزی را دارای زکات بدانیم و زکات را نیز مایه برکت بخوانیم، آنگاه به معنای عامی بر خواهیم خورد که رعایت این معنا در عرصه‌های مختلف زندگی، حیاتی پر از برکت در تمام زمینه‌ها برای ما به ارمغان خواهد آورد.

امام صادق(ع) فرمودند: «بر هر جزئی از اجزای بدن تو دادن زکاتی در راه خدای بزرگ واجب است، بلکه بر هر تار مویی، پس زکات چشم، نگریستن برای عبرت گرفتن است، و چشم پوشیدن از نامحرم و شهوات، زکات گوش، شنیدن علم و حکمت و قرآن است، و حکمت‌های مفید دینی و پند و اندرز نجات بخش، به همراه دوری گزیدن از آنچه بر ضد اینهاست، یعنی دروغ و غیبت و نظایر آنها، زکات زبان، اندرز دادن به مسلمانان و بیدار کردن غافلان است، و ذکر و تسبیح بسیار گفتن، زکات دست، بخشندگی و سخاوت است از آنچه خدا به تو انعام کرده است، و بکار گرفتن آن در نوشتن علوم، و رهنمودهایی که مسلمانان در طاعت خدای متعال از آنها بهره‌مند شوند؛ و همچنین به کار نبردن آن در هر کار بد و هر اقدام شر، زکات پا، کوشش در انجام دادن حقوق خدای متعال است، یعنی رفتن به دیدن صالحان، و حضور در مجالس ذکر، و کوشش در اصلاح امور مردمان، و صله رحم، و جهاد، و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد».^۳

^۱. «البرکه فی اکابرنا فمن لم یرحم صغیرنا و یجل کبیرنا فلیس منا»؛ ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۷۶.

^۲. «و الزکاه تزید فی الرزق»؛ محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳.

^۳. محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۷.

۵.۵. پرداخت صدقه

از سفارشات اکید اسلام درباره مال انسان ها ، صدقه است که برای فرد و جامعه برکات بسیار زیادی دارد.

امام صادق(ع) فرمودند: جامعه ای که افراد آن اهل صدقه باشند ، قطعاً برکات آن را در زندگی خود خواهند دید زیرا « یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست ، چرا که باعث جلب محبت و حسن تفاهم است و امنیت را گسترش داده و دل ها را از اینکه به سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگراید، باز می دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه های فساد و فتنای اموال را می بندد و همه اینها باعث می شود که مال آدمی در دنیا هم زیاد شود و چند برابر گردد».^۱

خداوند نیز در قرآن می فرماید: « خداوند، ربا را ناچیز می گرداند و صدقات را افزونی می دهد و هیچ کفران کننده گنهکار را دوست ندارد».^۲

امام سجاد(ع) فرمودند: هیچ شخصی نیست که به مستمند ناتوانی صدقه بدهد و آن مسکین در همان وقت برای او دعا کند مگر اینکه دعایش (در حق او) مستجاب گردد».^۳

۵.۶. سحر خیزی

عبارت «سحر خیز باش تا کامروا باشی» را زیاد شنیده اید. این عبارت اشاره دارد به حدیثی از پیامبر اکرم که فرمودند: «برکت در سحر خیزی است».^۴ سرزندگی و پر انرژی بودن نیز از آثار سحرخیزی است.

و نیز فرمود: «هر گاه یکی از شما کاری داشته باشد، صبح زود به دنبال آن کار رود، زیرا من از خدای خویش خواسته ام به کسانی از امت من که اول وقت به سر کار خویش حاضر شوند، برکت دهد».^۵

۱. محمد حسین ، طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۶۴۲.

۲. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» ؛ سوره بقره ، آیه ۲۷۶.

۳. «مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَى مُسْكِينٍ مُسْتَضْعَفٍ فَدَعَا لَهُ الْمُسْكِينُ بِشَيْءٍ تِلْكَ السَّاعَةَ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ»؛ محمد، صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۴.

۴. محمد حسین صفاحواه ، گلچین صدوق، ج ۲، ص ۱۹۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۱.

پیوند با خویشان و آگاه بودن از وضعیت زندگی آنان، از امور مورد توجه اسلام بوده و هست. در گذشته، آگاهی یافتن از حال همسایگان و اقوام، با شب نشینی ها و بیان سخنان و تجربیات ریش سفیدان، نعمتی بود که امروزه کم رنگ شده است، اما باز هم صله رحم جایگاه خاص خود را دارد.

حضرت علی (ع) یکی از عوامل برکت در زندگی را صله رحم دانسته اند، و خطاب به کمیل فرمودند: حضرت در این روایت به تأثیر صله رحم در مال اشاره نموده است.^۱

امام صادق (ع) نیز در روایتی به این امر اشاره نموده اند: «صَلِّ أَرْحَامَ خَلْقٍ رَا نِيكَو وَ دَسْت رَا بَا سَخَاوَت وَ نَفْس رَا پَاكِيزَه وَ رُوْزِي رَا زِيَاد كُنْد وَ اَجَل رَا تَاخِيْر اِنْدَازْد».^۲

امام باقر فرمودند: «صَلِّ اَرْحَامِ اَعْمَالِ رَا پَاك كُنْد وَ اَمْوَالِ رَا فَرْوَنِي دَهْد وَ بَلَا رَا بَغْرَدَانْد وَ حَسَابِ رَا آسَان كُنْد وَ اَجَلِ رَا تَاخِيْر اِنْدَازْد».^۳

نیکو کردن اخلاق، تقویت روحیه سخاوت، پاکیزه شدن نفس، تأخیر اجل، پاکی اموال، دور شدن بلا، آسان شدن حساب و موارد بسیار دیگر از برکات صله رحم می باشند که از مجموعه روایات اهل بیت (ع) استفاده می شود. برکات این امر تا آن اندازه است که اگر کسی از غیر نیکوکاران باشد و به این امر مبادرت داشته باشند، نیز از برکات آن محروم نخواهد شد.

۱. «يَا كُمَيْلُ الْبَرَكَةُ فِي مَالٍ مَنْ... وَصَلَ الْأَقْرَبِينَ»؛ ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۴.

۲. «صَلِّهُ الْأَرْحَامَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكَفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ»؛ محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳. «صَلِّهُ الْأَرْحَامَ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوْى وَ تُيسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ»؛ همان، ص ۱۵۰.

۶. نتیجه گیری

قرآن راه کارهایی را که موجب توسعه اقتصادی می شود بیان نموده است که به دو دسته معنوی (مانند انفاق، تأثیر تقوی در توسعه اقتصادی، نفی سبیل کفار بر مسلمین) و اقتصادی (مانند توسعه اقتصادی، تشویق به صنعت و تکنولوژی و...) تقسیم بندی می شود. این بستگی به افراد جامعه دارد که با توجه به تفاسیر آیات که مفسران آنها را بررسی کرده اند و داشتن ایمان و اعتقاد به خدا و کتاب وحی بتوانند آنها را در زندگی و جامعه به کار گیرند تا در تمام مراحل زندگی به موفقیت دست پیدا کنند و این رشد و توسعه زمانی اتفاق می افتد که جوامع اسلامی متکی به خود باشند. لازمه این کار بی توجهی به استهزاء و تهدید کفار و غرب و ایمان به خداوند با توجه با آیات قرآن است. مسلمانان با وحدت و همکاری در زمینه های اقتصادی می توانند به پیشرفت دست پیدا کنند.

استغفار یکی از عواملی است که باعث نزول انواع نعمت ها می شود، همچنان که حضرت نوح به قوم خود چنین گفت: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نه‌رهای جاری در اختیارتان قرار دهد».

۷. منابع و مآخذ

*قرآن

۱. آمدی تمیمی، عبد الواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، ج ۴، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ دهم، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن شعبه، حرانی، **تحف العقول**، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، آل علی (علیه السلام)، ۱۳۸۳.
۳. ابن فارس، احمد، **مقاییس اللغة**، ج ۱، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجلیل، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ق.
۴. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، **لسان العرب**، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر، **تفسیرالتحریر و التنویر**، ج ۱۰، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۶. بخاری، محمد، **صحیح البخاری**، ج ۳، قاهره، مجلس اعلیٰ للشئون الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۷. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران، جاویدان، ۱۳۲۴ ش.
۸. صدوق، محمد، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم، نشر رضی، ۱۳۶۸.
۹. صفاخواه، محمد حسین، **گلچین صدوق**، ج ۲، تهران، فیض الاسلام، ۱۳۷۶.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۷ و ۲، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. فیروزآبادی، مجدالدین، **القاموس المحیط**، ج ۳، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ج ۲ و ۴، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. متقی هندی، جمال الدین، **کنز العمال**، ج ۹، بیروت، دارالکتب علمیه، بی تا.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ج ۳، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۷۵ و ۶۵ و ۶۳، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از نویسندگان)، **تفسیر نمونه**، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۷. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج ۱۵ و ۲۷، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هشتاد و سوم، ۱۳۸۸.
۱۸. ورام، ابن ابی فراس، **تنبيه الخواطر**، ج ۱، تهران، علی اصغر حامد، ۱۳۷۶.